

24/1/50

مردم

انگن مرکزی فزب تووه ایران

جوانان کشور

از اجرای نقشه‌های امپریالیسم سر یاز میزند

نظام وظیفه و وسایله جدیدی برای فزادی رفو و خواری و اقبال و آزار جوانان این کشور شده است. در میان جاری چندین دوره از مشاوری نظام وظیفه و سچ دورم هم از احسان احتیاط و ذخیره را برای خدمت یکساله احضار کرده‌اند.

طبقه حاکمه ایران هر روز تحسینات و فشارهای تازه ای بر مردم ایران وارد میکند. مدتی است که احضار مشاوری

این روزها بازار مأمورین رفو و خواری نظام وظیفه و ذخیره بسیار گرم است. در بعضی از روزها خانه‌ها و سنگانها مأمورین نظام وظیفه، مشاوری و در پشت میز کارشان دستگیر کرده و به دانشگاه امری با سرزاده فرستاده‌اند. در بهمانی از مشاوری دانشگاه امری سوری از مشاوری و سرزاده فرستاده‌اند. سینه سینه‌های خنجر آبه برای خدمت احرام کرده‌اند.

ملت ما

دست‌ان استعماری را شدیداً طرد میکند

قد و خالی‌های نظامی شده‌ای برودند و آن بولوع خوامه‌دوست در داخل کشور افزایش افراد بیو های نامیه، ازدیاد پاسپانها، ماضیان و امعای نظامی و فشار روز افزون شده از پیش جبهت جانب هزاران هزار فرزندمان چون ما به نظام اجباری سوله‌های از تعالی چینی‌داعلی ماضی‌اجزایه هفتد حاکمه ایران با روش چنانکارانه و سینه‌د آتش افروزان چیدالی جنگه تلقی میگردد.

جوانان این کشور در برابر مأمورین نظام وظیفه نشان میدهند، نشانه‌ای است از عدم رضایت و اطمنان مردم بنسبتگاه حاکمه. هیچکس واقعی نیست در غده‌های جنگه سینه‌ای که امپریالیسم انگلیس آمریکا در کشور مطرح می‌کند. هر که از روش ایران یک روش ملی بود و مردم برای دفاع از استقلال همین و حقوق ملت ایران خدمت نظام وظیفه می‌کند بر نمند.

صدها میلیون امضا بنفع صلح

دوره اعلامیه اخیر کتبه دائمی کنفره جهانی طرفداران صلح که یکسال قبل وا تشکیل تشکیل شده پانیه‌ای شرح زیر خطاب بکلیه مردم شرافته جهان تصویب و انتشار داده.

هشتاد و دو سال تولد لنین

روز ۲۲ آوریل (شنبه ۲ اردیبهشت) هشتاد سال از تولد لنین، بنده بزرگ بشریت و رهبر بزرگترین و فاضلترین انقلاب جهانی میگذرد. حرکت میثون گفت که در تمام طول تاریخ بشر شرح هیچ نایه و معنای دیگری لنین در طول اشباح سوسی دوره انقلابی، سوسی مدات سنی ایران، موثر نبوده است. مشتاقان پیش لنین سوله‌ده، سوسی سالیکی وارد سبازوه بنفع شده کارگر گردیده، در دهانه سال پیش اولین روزنامه خلق کارگری را برای ایجاد یک حزب واحد سوسیالیستی در روسیه از نو بنیان نهاد. فریبش شرح حرب میله کارگروهی صورت واد و منتقل دور یک کتبه مرگزی وجود داشت و در بعضی سرزمین‌های جنوبی و جنوب شرقی خود بود. اما امروز در سال ۱۹۲۰ در تمام افکار دنیای لنین و رهبری موثر او، نیسی از جهان الاصله سرزمین‌های بیرون آمده و سوسیالیست‌ها هم زیر پای امپریالیسم سلطه سرزمین‌های بیرون آمده و سوسیالیست‌ها هم زیر پای امپریالیسم سبیه منوس خود را از روی لب دیگر جهان بزرگ خوانده‌اند. ملت ایران در برتر افکار لنین، سوله‌های فراوانی برد. لنین سبایه اسارت امپریالیسم روسیه تزاری در برابر ایران را مکنی کرد، تمام موسسات روسیه تزاری در ایران را بلوخت ایران خشنود و ملت دولت‌نوار ایران را کن‌لینکیان اعلام کرد. سبیه لنین باید لنین بزرگ همیشه در قلوب افراد شریف ملت ایران زنده است.

دو بار کتبه به آمریکا این ازاله از ایران عنوان کنوری که برای قبول سیاست شوم نظامی آتش افروزان جنگه و دریافت اسلحه‌های امریکایی حاضر و مشتاق است نام برد. بین مقامات نظامی امریکایی پس از این مسافرت که میزبان بسا انگلند فرارود اخیر منسوسان و پاکستان بود صحت از انگلند اصلاحیه نظامی جنوب آسیا ویوسن کنوری‌های خاورمیانه و خصوصاً ایران و ترکیه پیمان سبیه‌ای متکلیمه و وزیر خارجه ترکیه از اردو الحاق ترکیه و ایران به پیمان منور اعلامیه سخن میگوید، فرارود تزارینش ایران و ترکیه که نیافته شوم چکنر و نظامی آرا از زیر غلبه نصارتی آن سبتوان پوشیده داشت، سبیه امرا نزدیک میبند. از طرف دیگر روزنامه های تهران از قول مقامات روسی اعلام میدارند که در نتیجه مسافرت لنین کالینز و سرامانن جنرل ایران، این نامه میهن ما یک منطقه چکنر تبدیل خواهد

مردم ما یک منطقه چکنر تبدیل خواهد کرد. بین امضاء کتبه کن‌لین در برجه‌ای

کارگران، دهقانان، پشه‌ها، دستکاران
 علیه ارتجاع شومیه
 با مرکز استبدادگر ایرانیان
 مبارزه کنید

جوانان کشور از اجرای ...

میرفته، هرگز از درود
 در صفوف ارتش سرافرازان
 ولی امروز همه می
 بینند که ارتش و سپه‌ای
 است در دست عناصر
 مزدور برای اعمال
 مقاصد شوم امپریالیسم.
 در ارتشی که مستشاران خارجی بر
 آن حکومت میکنند و در جهت حفظ
 منافع امپریالیسم اداره میشود، البته
 که ملت ایران نیز خواهد فرستد که
 «ارتش شاهنشاهی» فیرا و کور و
 گوش مغربخانه ملیون تهاون مردم ایران
 را دانه و سلاحهای کهن و زنگه
 زده امریکائی خرید است. جوانان را
 احزاب کمونستان استالین این سلاحها را بیاموزد
 ولی این فتنه ما مواجه با شکست قطعی
 خواهد شد و این اقدامات جز تشنه صدم
 و حایب و ناراحتی مردم سوئی نخواهد بخشید
 گسائیکه امروز سرافراخانه ما میروند
 فردا با فخرت فدی بخاری دست باین دستگناه
 فله میوز دور خارج میشوند و گوش دانه وار
 تری برافروزا گون باشتن آن بکار میبرند.
 دستگند که هرگز نخواهد توانست آتش
 فیر و غلغله مقنن را خاموش کند. روزی
 خواهد رسید که هدف این سلاحها - میبه
 غایب میوزدن و جزودان خواهد بود.

صدها میلیون ...

آبادی نوین سده مشهور بزرگی، فادای
 از نبود که سینه گن برسته شوروی
 پانصد تریلیون دلار ناسی فیشی، کوموزو
 نوسته تریلیون جیسی در آلبون نوسون
 هر کترین شخصیت روحانی انگلستان و
 آچه بولیه کشیش تریلیون فرانسی زاده
 و جمعیستون. دین بیانه را حسین لوی-
 سالیان و درو نوروز بر از طرف ۲۲ ملیون
 کارگران عضو تراسیون سوسیالی
 جهانی آفریقا کونون ماری کونود و این
 کونوزی از جانب ۵۰ ملیون زنان عضو
 تراسیون بین المللی زنان دمو کرات و
 کوموزو تراسیون اروپا - ۶ ملیون جوانان
 دمو کرات میان اسطفا کردند. پایانه
 صلح از طرف مردم غیر خود و فرارنده
 جوانان شور و میجان بر طرف راستین
 گردید.

سر نوشت خاندان سلطنتی ایران در گرو بیگانگان است



سازمانهای دمو کراتیک بودایی و
 فضاپیای بر صدها جانی درجه کشور ما
 اعلام میکنند که برای جمع آوری حربه
 پانصد اسطفا نام امروزه تروان خود را
 بکار خواهند برد. گینه های ملی صلح که
 هو اکنون در پیش از ایجاد کشور جهان
 عالیست حنی درانه، اعالی کشور توشین
 و ادعوت گردند که صرف نظر از اختلافات
 مسلکی مذهبی، ادوایی و سیاسی، فقط
 خاطر صلح و دوستی بین المللی و خلیه صلح
 لیخندو تهاون بودا و وار جنگ کومون-
 یوزی و بر پایه اعلام و تروان دستا به بالا
 را اسطفا کنند. پیش از یکسان اختلاف پایانه
 کینه جهانی صلح نیکگرد و ای منین معن
 کوناد گانی بود که عالی موزر و امید صلح
 از دور دور اندام تروان آید این جهان غره
 که و صمعا شتون بشر صلح و دوستی
 را که جرح و مرج و دورانی برسانی از
 جنگ نسیبند خلیه جنگ و آتش افروزان
 جنگ جیش بر آورد. امپریالیسم حرس
 و عارنگر که فقط بر پایه جنگ و کشتار
 میواند جهان را کشتار غره نادانده
 ترویم تروان اخیر دوش بشریت مطوق بود
 سگرد اسطفا آدمکشی اعدام و هرگز
 از برکت خونیهای ریخته شده روزنه گیبای
 بر طرفه صلح تهاون تروان و عزت
 شده انجوش.

ملت ما دسالی استعماری ...
 دوستانه اران صلح و آزادی ثابت شده،
 این است که آتش افروزان جنگه هنوز
 موقن بر برقراری وضع کوموش با پاداری
 که دسالی و مظالم آنها را تیسیت نایه
 و ملت ایران را میبا برای ورود در فتنه
 انگیزهای بیخندان سازد موقن بگر و بهمانه
 هرج و مرج سیاسی و اختلافات بارز وصل
 ناید بر جناح های سا که از طرفی و صلحیت
 های نجات بخش حزب بزرگ ملت عاجز
 نوده ایران از طرف دیگر موجب شده
 است که امپریالیسم بین المللی ضعف ظوه
 را در کشور ما ماسلا حس میکند. روی
 این اصل است که دسالی مرموز و تازه ای
 در دستور روز سیاست های استعماری قرار
 گرفته و خواهیهای تازه ای برای کشور
 ما می بیند تا بیش از پیش حقوق آزادی
 و استقلال ملت ما را سل نوده و مناصه
 پاید خود را آسان تر اجرامانده. فالیست
 های فتنه انگیز مزدوران برای امپریالیسم
 که اخیرا درجه جهان شد یافته است
 بدین منظور توجه دارد تا کشور ما را جمودا
 صحت و قابی سازند و بیانه عالی برای سلط
 بیشتر حقوق ملت و تسکیم اساس جور و ستم
 مرموزان جنگه و خوروی چه بدست آورده
 و لی امپریالیسم بین المللی باید
 بداند که در میهن ما پالین رفتن آب
 راحت از گلوی او محال است.
 هرگز تیسیت و نوتی های با هر شکل
 و روشی که از طرف امپریالیسم بواسط
 بیومند و مملو است سر سخت ملت ایران
 و حرب نوده ایران مواجه خواهد گشت
 تجربه پانده مانعه باید به کار گردان
 نسیب و نظامی امپریالیسم و حال ایرانی
 آنها نماند پانده که ایگوت دسالی
 ککی بکنیم وضع آنها در ایران نخواهد
 کرد. ملت ما از جنگه مستتر است و
 صلح و آزادی میخواهد. ملت حایش
 از این تحمل محرومیت از حقوق
 حقه خود نخواهد کرد، به گیت
 خود ننگی قطعی راضی نخواهد
 شد و مبارزه خود را شدیدتر از
 پیش برای سرنگون ساختن باطل
 جور و فساد و تیسیت امپریالیسم
 ادامه خواهد داد.

فلسفه پهلوی ملت و لیلخس بیگوان و سوشلک امریکائی وارد دواج با دوازده گیبای
 مزایای خاندان سلطنتی محروم گردید. اساسا مثل اینست که احشای این خاندان
 «چهل» سر نوشتشان در گرو بیگانگان است! شاه از عمر زن میگرد، خواهر
 او از طرف پهلوی عاشق پنه جوان مصری میشود و او را به ازدواج خود فرو میبرد
 فاطمه پهلوی بیله روزنامه نگار امریکائی دل میبازد و خاطر او از مزایای خاندان
 سلطنتی دست میکند، محمود رضا پهلوی دلش در گرو پنه دوشیزه امریکائی
 است و با عشق میوزد. این است وضع خاندانی که فر پانهای جوانی مثلش بر از طرف استغیاب
 دارد. خیرای سلوم داماد از هم اکنون به تسلیم فرحیت و آداب و عیبه پرداخت
 است (برکتش لست) و بزودی بیله پادای که ۱۹۱۷ هجری قمری بین مین اسلام
 مشرف خواهد شد. در حقیقت فاطمه پهلوی بسا این ازدواج از این نظر که
 پنه تر بر سناظین بیخ اسلام افروز غنیمت بودگی خاتم اسلام نود و چه بیله
 در بهشت فرهای برای دنیای باقی آماده کرد! بیاس این خاندان جا داشت
 در دوزخ مزایای تازه ای برای او تاقان شوده اینک او از آنچه که داشت سر و بسازد.
 اما منتی است که در اغلبی دربار و اسناظین است که «جهان نظام»
 است و هنوز این لاله باشی ما از این انقلاب مسخره که منتلق بیورن شاه و زورک
 است دست بر خیزد نره. آباوزر در دوزخ جنایت نیکند که فادرا «جهان نظام»
 میخواند این شاه جهان نظامی است که خواهرش بر حلق نیست! با دوازده
 سته ای که از تهم الامام میان وزیر دوزخ و هیئت تحریریه روزنامه مردم موجود
 است ما انتظار داریم ایشان در پاسخ ستولات فون مقاله ای برای درج در روزنامه
 بپرستند و بیسم «هیچ دولی نیست که س ت» بیکلر دیگر برای تبلیغ بیخ
 دوزخ! قلم در دست گیرند.

اکنون نیز میخواهد برای حربه
 سوم سناظ جلالی را بگسترده و علاوه بر
 کوموزو آدم سوزنده را در کانه های هر که
 سپه ای ترو میوزدانی به سراغ مردم
 خرسند و لی مردم را از خدمت، لاکتا،
 دو خریا و بر پایه ای جنگه گفته باین
 زود میاز استغیاب و دوما و حاه خرابیا
 دور میبوزد.
 صدها ملیون اضافی که دوزخ بیله
 کینه جهانی صلح جمع خواهد شد سوز
 و نمان فکین جنایت دوزخ و اوج حجه به
 و اعلامی سطر چه بدی بک نشستن آدم عوار
 و اشکن و لسن است ترو ماسیم گرفت.
 ایستگت افروزان و اسما و از کرامت
 عالی فیح جنگه سلو گیدی کنند ولی اگر
 امپریالیسم جرح کند که خوروی چه بدی
 سرد میبازد و صلحی جهان تسلیم ناید
 بدون شک پادست شود کوموزو خواهد
 کرد.